

قانون جزای اتیوپی (حبشه)

(مقاله دوم)

خصوصیات و مزایای قانون ۱۹۵۷

۱ - تقسیمات

مجموعه قانون مشتمل بر سه قسمت و دارای هشت کتاب است :
قسمت اول که از کتاب اول و دوم تشکیل می‌شود راجع بجزای عمومی و قواعد کلی حقوق جزای معاصر اتیوپی است .
قسمت دوم که شامل کتابهای سوم و چهارم و پنجم و ششم است مربوط بجزای اختصاصی و تعریف جرمهای مختلف و کیفر آنهاست .
قسمت سوم که متشکل از کتابهای هفتم و هشتم است اختصاص با امور خلافی دارد؛ در کتاب هفتم که در واقع شامل قسمت عمومی امور خلافی است از قواعد و ضوابط کلی امور خلافی و مجازات آن سخن گفته شده و در کتاب هشتم که دارای عنوان «قسمت اختصاصی» است هر يك از امور خلافی دقیقاً تعریف و مجازات آن تعیین گردیده است .

۲ - ماهیت و اصول و روح قانون و سبک کلی آن

اول - در سراسر کتابهای هشتمگانه قانون این نکته بخوبی نمایان است که مبنای کار تهیه کنندگان پیشنهاد قانونی و بطریق اولی خود قانونگذار این اصل بوده که چون این قانون از نظر آینده کشور و سرنوشت مردم آن اهمیتی بسزا دارد باید بهمان نسبت و تا آنجا که ممکن

است روشن و کامل و دقیق باشد؛ و از آنجا که این قانون مانند قوانین جزای مترقی جهان اصل رعایت قانون (۱) را در مورد جرمها و مجازاتهای آنها پذیرفته؛ و از آنجا که قانون نوشته یگانه منبع حقوق جزاست و عادات مردم و ابداعات و ابتکارات قضات و عمل بقیاس در آن راه ندارد معمولاً چنین قانون نوشته‌ای باید بصورتی تهیه گردد که بتواند «قاعده عملی برای قضات و افراد مردم باشد»

خلاصه، در عده‌ای از مجموعه‌های قوانین امروزه حتی در مجموعه‌های بزرگ و مفصل، در موضوعات اصولی نواقص اساسی وجود دارد از قبیل موارد اعمال قانون ملی نسبت بقانون خارجی، اصل عدم عطف بماسبق در قانون جزا و مواردی که برخلاف این اصل باید رفتار شود، همچنین تعریف جرم، آثار زمان و مکان ارتکاب، مقررات راجع بشرکت و معاونت مادی و معنوی در جرم، شرایط و موانع مجازات، عفو و بخشودگیها، کیفیات مخففه و مشدده قانونی، یا قواعد مربوط بعمل و موارد تعلیق کیفر و محو آثار کیفری.

این مسائل پیچیده، در قانون جزای اتیوپی بهمان جهتی که در پیش گفتیم حل شده است. در بسیاری از کشورها این مسائل غامض را بتدریج در قوانینی که بعد از قانون مجازات عمومی وضع و تصویب شده است حل کرده اند و در بعضی امور که نصوص صریح و روشنی وجود ندارد، روش قضائی دادگاهها و سنت متمادی مقبول اکثریت علماء حقوق و تنبئات اهل فن و رسالات و مقالاتی که حقوقدانان نوشته‌اند عهده‌دار این کار شده و تقریباً کار بجائی رسیده که کمتر نقطه ضعف و نکته تاریک باقی مانده است؛ اموری هم هستند که هنوز راه حل درست برای آنها پیدا نشده و موضوعات جدیدی که پیش می‌آید خواه و ناخواه قضات و حقوقدانان و صاحب نظران را به بحث و فحص و گره‌گشائی وامی‌دارد و یادادگاهها و بالاخص دیوان کشور در مواقع لزوم خود را مکلف باتخاذ تصمیم می‌بینند و کم‌کم روش واحد ایجاد می‌گردد. بمبارت دیگر پیشرفت دانش و بررسیهای پیاپی دانشمندان حقوق و آزمودگی و ورزیدگی دستگاه قضاء و از همه مهمتر اقامه دعاوی بر ننگهای نو و طرح قضایای گوناگون و متعدد در دیوان کشور می‌تواند نواقص قانون را بر طرف سازد و خلاءهای موجود در آن را پر کند. اما در کشوری چون اتیوپی، که اصول کهن جزای خود را دور ریخته و ارتباط خود را با قواعد و قوانین کیفری اتیوپی باستانی قطع کرده. و اصول نو و بی‌سابقه‌ای را پذیرفته است که با سنتها و عادات دیرین مابینت کلی دارد، برای پیشرفت کار دادرسی و دادگری و برقراری نظم در جامعه، ناگزیر باید قواعد حقوق جزای جدید در خود قانون تشریح شود تا مردمی که قانون برای آنان وضع شده، حتی مردم عادی، از آن آگاه باشند زیرا، هیچیک از قضات و مجریان قانون و اصحاب

دعوی سابقه‌انس و آشنائی با این قانون نداشته‌اند :

الف - تقسیم بسیاری از مواد بشقوق و بندهای مشخص و حفظ نسبت میان آنها و رعایت موقعیت و عنوانی که برای هر ماده تعیین گردیده همه حکایت از این هدف می‌کند . هر دستور قانونی را با رعایت اصول فن قانون‌نویسی بصورتی که قابل درک و فهم برای عموم باشد در آورده و بقدر امکان از آوردن عبارت علمی یا پیچیده احتراز کرده و در این باب می‌توان گفت که از سبک تدوین قانون ژنوی بلو (۱) و قانون نویسی مدنی و کیفری سوئسی اوژن هوپر (۲) و کارل ستوس (شتوس) (۳) الهام گرفته‌اند و کوشش داشته‌اند که نصوص کورتاه انتخاب کنند و امکاناً آنها را بشکل امثال و حکم مورد علاقه مردم ایتوپی که باسانی یادگرفتنی و بخاطر سپردنی باشد در آورند زیرا آنان این ضرب‌المثله و حکمتها و سخنان کوتاه را در طی قرون و اعصار بوجود آورده و با آنها در قانون نجاشیان، و در زبان حقوقی و مذهبی قیز (۴) خو گرفته و نگاه داشته‌اند . مانند سایر قوانین ایتوپی ، اگرچه قانون جزای جدید بر روی ثمرات اخیر حقوق تطبیقی و جرم‌شناسی استوار شده و اثری مفرح و منتشعب از بررسیهای پیچیده دانش حقوق امروزی است ، با این حال تدوین‌کنندگان قانون بسیار کوشیده‌اند که مجموعه‌ای از دستورهای ساده و درخور فهم عامه مردم و دارای الفاظ و اصطلاحات و تعریفهای روان و روشن گرد آورند .

و نیز از اینجاست که در قسمت جزای اختصاصی، هر بزه بطور دقیق با عناصر تشکیل‌دهنده و کیفر مربوط بآن بکیفیتی مشخص و مجزا و قابل تفکیک از دیگر بزه‌ها بر طبق همان سبک ثابتی که اتخاذ شده معین گشته است . تقید قانونگذار ایتوپی نسبت بروشی که اختیار کرده و روشنی و روانی قانون که پیوسته در پیش چشم داشته بحدی است که غالباً در مورد هر ماده و هر جرمی ، نخست یک قاعده اساسی که در واقع اصل کلی است بیان کرده و از این راه جرم‌های عادی و معمولی را از جرم‌های موصوف (۵) و یا مشدد (۶) و این دسته اخیر را هم از جرم‌های «ممتاز» (۷) جدا ساخته است .

1 - Bellot

2 - Eugéne Huber

3 - Carl Stooss

4 - Gheez

5 - L. Infraction Qualifiée

6 - « Aggravée

7 - « Privi legiée

این نکته را باید نظر به فصول مربوط به قتل نفس (مواد ۵۲۴ - ۵۲۲)، سقط جنین (مواد ۵۳۲ - ۵۲۹)، صدمات بدنی (مواد ۵۴۴ - ۵۳۷) تجاوز بحق مالکیت (مواد ۶۳۷ - ۶۳۴)، جرمهای راجع بورشکستگی و تعقیب بملت بدهکاری (مادتین ۶۸۰ و ۶۸۱) میتوان تصدیق کرد؛ غالباً خودنص قانونی بوسیله عنوانی که دارد حالات مشدد و مخفف را از حالات دیگر مشخص میسازد بطوری که دادرس هنگام ضرورت حالت مشدد و یا مخفف را که منطبق با واقعه مورد نظر است باسانی بدست می آورد از قبیل مواد ۲۷۰، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۸۱، ۳۹۶، ۴۶۶، ۵۱۳ و ۵۱۷ برای تشدید و مواد ۸۷ و ۳۸۰ برای حالت تخفیف.

ب - همچنین نظر بعلاقه زیادی که قانونگذار به سادگی و روانی مقررات قانون داشته در عین حال که اصول تعریف مجرد و کلی و قابل انعطاف مخصوص گدهای معاصر جهان را، که مزیت به ترتیب شماره گذاری افراطی دارد، اختیار کرده و از آوردن مواد زیاد که با وجود سنگین ساختن کتاب قانون آنرا از نقص و خلاء برکنار نمی دارد پرهیز داشته در بسیاری از جاهای قانون، در مواد کلی آن، مثالهای عملی که وسیله پی بردن بموارد شمول دستورهای قانونی و اراده قانونگذار باشد در مواد قانون وارد کرده است (۱). اینگونه بکار بردن مثلها و کلمات قصار مشهور میان مردم کشور مخصوصاً در نصوصی که حاکی از تعریف جرمهای جدیدی است که هنوز هم در بسیاری از قوانین کیفری جهان نارسا ته. ریف شده یا اساساً تعریف نشده، و یا لاقبل برای مردم اتیوپی تازگی دارد، بیشتر رعایت گردیده و غرض این بوده که چگونگی ارتکاب یا وقوع آنها را آنچنانکه دیده می شود یا لمس می گردد، حتی بمردم بی اطلاع و نا آشنا بزبان حقوق بفهمانند تا عامه مردم از مواد و معنی این دستورهای نو که در زندگی ملی آنان تاثیر کلی دارد، بویژه با عنایت باین اصل مسلم که وجهل بر حکم رفع تکلیف نمی کند، آگاه گردند.

از همینجاست که بزه های راجع به پاسداری و نگهبانی و نافرمانی در برابر دستورهای نظامی و عدم انجام تکالیف مقرر برای نظامیان و اقدام با عملی که مخالف امانت و شرافت نظامی است (مواد ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۳ تا ۳۲۷، ۳۳۵، ۳۳۷) برای هر سر بازو نگهبان قابل درک و فهم است. همچنین اضرار دولت از راه خودداری نامشروع و از روی سوء نیت در پرداخت مالیات و بزه های راجع بانحصارات (مادتین ۳۶۰ و ۳۶۴) یا تقلب در علائم رسمی (۳۷۳) اغواء و تحریک گواه برای اداء گواهی خلاف واقع (۴۴۹)، کمک بزندانی برای فرار

(۱) از جمله مواد: ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۳ تا ۳۲۷ و ۳۶۰

(۴۵۶)، نقض مقررات درباره حق رأی و انتخاب نمایندگان، بکار بردن حیله یا اغفال و تطمیع در امور انتخاباتی، مشوب ساختن افکار و اذهان عمومی با وسائل متقلبانه (مواد ۴۶۱ تا ۴۶۳) نوعی سرقت یا خیانت در امانت «موصوف» (۱) تعریف و لکردی خطرناک که قانون آن را جرم مهم می‌داند (ماده ۲۷۱)، پناه دادن بدکاران و مساعدت با آنان (۴۷۳)؛ تهیه، وارد کردن، صادر کردن، خرید و فروش، حمل و نقل سلاحهای غیرمجاز (ماده ۴۸۵)، اشتغال غیرقانونی بمشاغل پزشکی و بهداشتی (ماده ۵۱۸) که همه این بزه‌ها برای مردم اتیوپی نامفهوم بوده و قانونگذار می‌بایست در تعریف آنها استفاده از سبک ساده نویسی را از نظر دور ندارد و انصافاً از عهده این کار بخوبی برآمده است. درد نبال همین فکر. تهیه کنندگان قانون مقتضی دانسته‌اند که مفاهیم آتش‌سوزی و انفجار را با تعریف عملی روشن سازند (مادتین ۴۸۱ و ۴۹۱) و همچنین تعریف و توضیح جرائم علیه ادارات و موسسات عام‌المنفعه، بخطر انداختن و خرابکاری در وسائل مخابرات و حمل و نقل (ماده ۴۹۹ و ۵۰۰)؛ مفاهیم صدمات بدنی و یا آسیب سلامت جسمی اشخاص، برده قرار دادن اشخاص یا برده فروشی (ماده ۵۶۵)، اخفاء مال، دزدی و اخذ مال بعمف (مادتین ۶۴۷ و ۶۶۸)، سوءاستفاده از هوس و هوس یا ضعف نفس یا حوائج زن یا صغیر (مادتین ۵۹۳ و ۵۹۴) بصورتی تعریف و انشاء شده که جای ابهام باقی نمی‌ماند. در تعریف اعمال مختلفی که راجع بسکه‌ها و پولهای قلب و بی اعتبار است و قانون جزائی اتیوپی آنها را جرم شناخته مانند ساختن، تهیه، در معرض فروش قرار دادن یا در جریان گذاشتن این قبیل پولها و سکه‌ها (ماده ۳۷۰) و اموری که بهداشت عمومی را بخطر می‌اندازد مانند خرید و فروش و تهیه کالاهای زیان بخش یا فاسد یا اغذیه یا علوفه آلوده بمواد سمی (مواد ۵۱۰ تا ۵۱۲) و اعمالی که بمنظور حمایت اخلاق حسنه و جلوگیری از ساختن و فروش و توزیع و اجاره و اشاعه نقاشی یا تصاویر یا آگهی‌ها یا فیلم و هرگونه نشریات مستهجن و اشیاء دیگری که مخالف عفت و اخلاق حسنه عمومی است (مواد ۶۰۹ تا ۶۱۱) نیز این ترتیب رعایت شده است.

بعلاوه، در کشوری که دارای تأسیسات باستانی است و نواحی غالباً فلاتی دارد، بسیار لازم بود که مقصود از اموال بلاصاحب دقیقاً تعیین شود (ماده ۶۴۶) و همچنین روشن گردد که غارت اموال دیگری (ماده ۶۴۹)، استفاده متقلبانه از اعتبار عمومی (۶۶۱)، رقابت مکارانه با اشکال گوناگون خود که با توسعه بزرگ و سریع اقتصادی و اجتماعی امروزی رو بتراید نهاده (۶۷۳)، ورشکستگی بتقلب یا تقصیر (ماده ۶۸۱)، ایجاد کسر یا نقصان در مورد اعیان مرهونه یا اموالی که بدستور مقامات صالحه قانوناً بازداشت شده و بزه شناخته می‌شود چیست. در مورد امور

خلافی هم همان ترتیب تعریف ساده و محسوس تعقیب شده و توجه به ماده ۷۵۵ راجع به تسلیم اسناد رسمی از روی غفلت و اشتباه باشخاص ، ماده ۷۷۰ در خصوص اخلاص در آسایش و شغل دیگری ، بهم زدن انتظامات خیابان و کوچه ، چیدن میوه دیگری و اقدام با عملی که باعث کمی و کاهش بهای اموال منقول یا غیر منقول دیگران می شود (مواد ۸۰۲ تا ۸۱۰) این مطلب را تأیید می کند .

ترتیبی که اتخاذ شده گذشته از سهولت فهم برای مردم و آسان ساختن کار قضات در پیدا کردن ماده و دستور قانونی که شامل موضوع باشد ، بداد در سان اجازه می دهد که در تفسیر قانون مطابق روح آن ، بروفق معانی که منظور قانونگذار بوده و بنحوی که وصول به هدف قانون را تأمین کند ، همچنانکه بند ۲ ماده ۲ مقرر می دارد ، باشکال بر نخورند .

ج - گذشته از اینها ، اشکالات اصطلاحی که تا حدی اساسی بود و در بعضی موارد احتمالاً غیر قابل حل بنظر می رسید ، انتخاب اینگونه فن قانون نویسی و قانونگذاری را ایجاد می کرد . توضیح آنکه زبان امهاری ، زبان قدیمی ایالت یا حکمرانی (امهاره) که زبان رسمی اداری و قضائی امپراطوری شده بود ، اصطلاحات و تاسیسات و لغاتی که قانون جدید لازم دارد نداشت ؛ زبان امهاری مانند بسیاری از زبانهای شرقی زبانی است خشک و کمتر آمادگی برای فورمولهای مخصوص حقوق جزای جدید را دارد . از این رو میبایست در این ابزار نو قانونی دستکاری کنند تا قابل نفوذ در مغز کسانی باشد که بزبان اتیوپی سخن می گویند . طرح ریزی متن امهاری که مانند متن انگلیسی رسمیت دارد با استفاده از ظرائف و دقایقی که زبان امهاری در حدود خود از آن بی بهره نیست ، به همراه تدوین قانون جزا ، سرمایه فرهنگی و حقوقی اتیوپی را افزایش خواهد داد .

راه ورسمی که در تهیه و تدوین قانون جزای ۱۹۵۷ اتیوپی برگزیده شده سبب گردید که مجموعه قانون کتابی بالنسبه پر حجم و مشروح و مفصل باشد و این نکته از جمله ملاحظاتی است که در خارج از کشور اتیوپی درباره این قانون عنوان کرده اند . اما در اینگونه موارد شماره مواد مسئله مهمی نیست ؛ مجموع مواد ، همچنانکه سابق گفتیم ، با وجود اینکه مقررات امور خلافی هم جزء قانون جزا در آمده ، از هشتصد و بیست تجاوز نمی کند در حالیکه بسیاری از قوانین کیفری کشورهای دیگر هستند که شماره مواد آنها بیشتر از این است و اگر سایر مقررات کیفری را هم که بعداً بقانون جزا در بعضی از کشورها (مانند کشور ایران) افزوده شده است در نظر بگیریم یقیناً شماره مواد بمراتب بیشتر خواهد شد ، مسئله مهم در تدوین قانون روشنی و کوتاهی و قابل فهم بودن هر يك از دستورهای قانونی است نه شماره مواد که زیادی یا کمی آن تاثیر در متن ندارد و قانونگذار اتیوپی این مسئله مهم را ، با وجود علاقه کاملش باینکه قانون جزا تحت اسلوب فنی درآید ، پیوسته در پیش چشم داشته است و در این باره بیش از این نیازی به بسط کلام نیست ، برای آگاهی کافی جا دارد که بمجموعه قانون مراجعه شود .

دوم - برای رسیدن به هدفی که در دستور پیش مذکور افتاد ، تهیه کنندگان راه دیگری هم پیدا کرده اند و آن اینست که در برخی از مفاهیمی که سالیان دراز از اصول مسلم علم جرم شناسی زمان ، به حساب آمده است از نظر شکل تغییراتی داده اند . سنت و ذاتی ، و قانون شاهان ، با نظریه علمی و فنی مخصوص خود مبنی بر تطبیق مجازات با حالات روحی و جسمی فرد (۱) و نبودن مکتب یا حوزه های مطالعات حقوقی خاصی در ا تیوپی که این نظریه را تخطئه کند و برای طرفدارانش ، همچنانکه در برخی از کشورهای خاوری و باختری وجود دارد ، اصول مسلمی بسازد خوشبختانه به تهیه کنندگان قانون جزای ۱۹۵۷ اجازه داده است که بتوان در اصول مسلمه حقوق جزای جهان امروزی با مهارت دستکاری کرد و قانونی نو و بی سابقه ساخت ، در صورتیکه اگر در کشورهای اروپائی فی المثل چنین کاری می شد اقدامی خرابکارانه در قانون جزا بشمار می آمد .

ذهن مردم ا تیوپی که تا این اواخر بهمان سادگی باقی مانده و بوسیله هیچیک از عقاید ثابت حقوق جزای جهان معاصر مشوب نگشته ، با آزادی تمام می توانست آنچه را که مطابق ذوق و روحیه خود می دانست بپذیرد و آنچه را که پذیرفته بصورت قانونی نودر آورد ؛ اگر بتوان سرمشقی داد که با شرایط داخلی زندگی ا تیوپی تطبیق کند و در عین حال هم مترقیانه باشد مردم این کشور از قبول آن خودداری نمی کنند .

از همین جهت قانون جزای ا تیوپی ، خود را از تقسیمات و طبقه بندیهای حقوق جزای کلاسیک که مزاحم پیشرفتهای تاسیسات اجتماعی خود می دانست رها ساخته و از بیان قواعد خشک و مجرد که در سبک حقوقی و ترتیب قانونگذاری کلاسیک درباره آن پافشاری شده است دوری جسته و بزهارک و فرد انسانی را که باید مجازات شود و اصلاح گردد هدف قرار داده نه خود جرم و ماهیت آنرا :

الف - قانونگذار ا تیوپی ، از یک طرف با کنار گذاشتن تقسیم بندی سه گانه تاریخی مشهور جرمها به جنایت و جنحه و خلاف بر حسب طبیعت مختلف آنها ، که عده ای از قوانین جهان از قانون فرانسه تقلید و اقتباس کرده اند ، طبیعت همه اعمال قابل کیفر را در نظر گرفته و در قانون جزا همه آنها را در جرم ، خوانده و تمام اصول کلی خود را در مورد همه آن امور قابل اعمال دانسته است ؛ از طرف دیگر ، از میان این جرمها آن دسته را که کوچک و کم اهمیت بوده و جنبه خلافی داشته جدا ساخته و موضوع « کد خلافی » قرار داده است .

بدین ترتیب مقنن ا تیوپی تقسیمه را اختیار کرده که برای مردم کشور باسانی قابل درک باشد زیرا برعکس جرمهائی که در حقوق جزای کلاسیک جنحه یا جنایت نامیده می شود

واکثراً از سوء نیت مرتکب حکایت می کند و گاهی نشان دهنده حالت خطرناک اوست، امور خلافی نوعاً دلالت بر حالت خطرناک مرتکب ندارد و شرافت و حیثیت را لکه دار نمی کند و بداد گاههای معینی که آئین دادرسی کوتاه و سریع دارند ارجاع می گردد. اما چون تمام جرمها در يك قانون گرد آورده شده و رعایت اصول و قواعد کلی درباره همه لازم بنظر رسیده، مواد راجع بامور خلافی طوری تهیه شده که وجود روابط میان امور خلافی و سایر جرمها از حیث اصول و قواعد کلی محفوظ بماند.

مرور اجمالی بکتابهای هفتم و هشتم این نکته را تأیید می کند، در واقع این دو کتاب مکمل کتابهای دیگر بشمار می آیند و هماهنگی میان همه کتابها در همه جا مشهود است. خود قانون هم در موارد محدودی، برای رعایت حال مرتکب بزه، راه تغییر وصف عنوانی عمل را نشان داده مثلاً در ماده ۸۷ به دادرس اجازه می دهد که در موارد بزه های کم اهمیت که در خود قانون معین است مرتکب را به توبیخ و ملامت با اخطار محکوم کند یا مقررات کیفری امور خلافی را، با رعایت شرایط مصرح در آن، به موقع اجزاء بگذارد. ایسن اجازه در مواد ۳۳۱، ۴۴۸، ۶۶۲، ۸۱۲ و ۸۱۳ تأیید شده است. قانونگذار اتیوپی تشخیص داده است که چه از جنبه نظری و چه از جنبه عملی انتخاب این راه مناسبتر است مزیت اینگونه ساده کردن قانون جزا را نمی توان نادیده گرفت.

ب - قانون جزای اتیوپی از امر دیگری هم که تا اندازه ای میان مجموعه های قوانین کیفری جهان شهرت و شیوع دارد صرف نظر کرده و آن عبارت از تقسیم دو گانه مجازاتها و همچنین فرقی است که میان اقدامات (۱) و مجازاتها، می گذارند و این فرق را دیواری غیر قابل نفوذ می دانند، در حالیکه گاهی تفکیک آنها از یکدیگر با وجود اختلافی که دارند دشوار است، همچنانکه در قانون سویس، که از این جهت سرمشق برای قوانین کیفری معاصر میباشد، اختلاط میان «کیفرها» و اقدامات تأمینی، قابل انکار نیست. چون قانونگذار اتیوپی بطور کلی تحت تأثیر مجازات و هدفهای گوناگون آن قرار گرفته دیگر خود را مقید بیک نوع بودن مجازات یا دونوع بودن آن نساخته بلکه با چشم پوشی از مباحثاتی که برای حل عملی مسائل اجتماعی در حال حاضر سودی ندارد، (۲) متوجه سیاست جنائی حقیقی و اساسی شده است. نتیجه عملی خیلی بیشتر از نظریات علمی برای قانونگذار اتیوپی اهمیت داشت؛ او خود را به طبیعت حقوقی و تفاوتهای نظری میان دو نوع ضمانت اجرائی،

1 - Mesures

(۲) همچنانکه مباحثات تند و مصرانه و بی نتیجه کنگره حقوق جزا که بسال ۱۹۵۳ در رم تشکیل یافت این معنی را روشن ساخت (ژان گراون)

قانون جزا (کیفر-اقدامات) سرگرم نموده است؛ او بیشتر در بند این بود، که در هر مورد، با مجرم یا طبقه‌ای از مجرمین، به نسبت شرایط فردی، و اصول انسان‌شناسی و روان‌شناسی و اجتماعی آنان رفتار شود خواه این رفتار «کیفر» نامیده شود خواه «اقدام». از اینجاست که تحقیق در وضع اجتماعی و خانوادگی منتهم و کسب نظر کارشناس روانی و پزشک قانونی را از کارهای عادی و معمولی و گاهی اجباری و الزامی دادرسان کیفری، چه در مورد محاکمه اشخاص کبیر در صورت وجود شک و تردید بمنظور روشن شدن وضع روانی آنان، چه عموماً در مورد محاکمه صغار، قرار داده است (مواد ۵۱ و ۵۵ و ۱۶۱). بعبارت دیگر برای قانونگذار اتیوپی اصطلاح «مجازات» یا «اقدامات» اهمیت قاطعی ندارد؛ آنچه که در نظر او مهم است اینست که متناسب با هر مورد و هر شخص ضمانتهای اجرائی (۱) بنام مجازات یا اقدامات وجود داشته باشد تا غرض‌نهایی قانون جزا که عبارت از اصلاح فرد و حمایت اجتماع است بدست آید بشرط آنکه این «ضمانتهای اجرائی» نرمش و اثر مطلوب را داشته باشد.

ج - همچنین کد جزائی جدید اتیوپی اختلافات و پیچیدگیهای بیفایده میان مجازاتهای گوناگون سالب آزادی را که تعدد آنها در قانون جزا خود موجب کثرت اشکالات تعیین و تطبیق هر یک از آنها با وضع هر یک از بزهکاران می‌شود و در مرحله اجرا هم دشواریهای دیگری فراهم می‌آورد، کنار گذاشته است؛

در باره انتخاب مجازات واحد در قانون جزا یا برقرار ساختن مجازاتهای متعدد در آن، اختلاف عقیده وجود دارد ولی تجاربی که بدست آمده مزیت گرایش به «مجازات واحد» را که با کمال دقت، با حالات روحی و جسمی فرد تطبیق داده شود، روشن ساخته و فساد تعیین مراتب مجازات، مطابق سنت معمول در بسیاری از کشورها را، تأیید کرده است (۲)،

در اینجا بازم سبک جزائی اتیوپی که میبایست از تجربه‌های خارجی استفاده کند و نمی‌توانست خود را گرفتار تاسیسات متعدد و پیچ در پیچ حقوقی، که در عمل دشواریهای فراوان داشت، بسازد، متوجه جنبه واقعی و عمل قضیه شده و مجازات سالب آزادی را به «مجازات سالب آزادی خفیف» و «مجازات سالب آزادی شدید» تقسیم کرده و نوع اول را حبس (۳) و

1 - Sanction

(۲) ژان گراون، مقدمه بر قانون اجزای امپراطوری اتیوپی

3 - Emprisonnement

نوع دوم را «حبس شدید» یا «حبس با اعمال شاقه» (۱) نام نهاده است (مادتین ۱۰۷ و ۱۰۵)؛ در این تقسیم، کمی یا زیادی حالت خطرناک بزهکار و اهمیت بزه و مراتب نیازمندی جامعه بدفاع در برابر بزه و بزهکار مورد نظر قانونگذار بوده است. این سنخ مجازات سالب آزادی که خود کافی و ساده میباشد، دادرس را از تعیین مجازاتهای سالب آزادی کوتاه مدت و بی‌ثمر، آسوده می‌سازد؛ ولی از طرف دیگر قانونگذار در موارد لزوم تخفیف و ارفاق دست‌قاضی را باز گذاشته و در مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ با واجازه داده که، علاوه بر تبدیل حبس بفرامت یا تعلیق حبس، مجازات سالب آزادی خفیف را به کار اجباری در غیر زندان یا به حبس با آزادی محدود مبدل سازد. بلاشک این ترتیب در کشوری وسیع که برای آباد ساختن خود بکار و کوشش مردمانش نیاز فراوان دارد بسیار بجا و سودمند است.

دوره اساسی دیگری هم برای ساده کردن قانون انتخاب شده و آن هماهنگ ساختن کلیه مقررات کیفری و ذکر همه جرمها و مجازاتهای آنها در یک مجموعه است که «کد جزائی اتیوپی» نامیده می‌شود. قانون مجازات عمومی، قانون مجازات نظامیان، قانون مجازات نیروهای انتظامی و مستخدمین دولت از هر درجه، قانون مجازات اشخاص کبیر غیر متعارف، مقررات جزائی راجع به صغار، مقررات کیفری در زمینه های گوناگون ای اداره امور مثل اقسامتهای مالی، اقتصادی، بازرگانی و دریائی، همه در این مجموعه گنجانده شده است. برای هر یک از مسائل که خصوصیات خاصی دارد عنوانی خاص در مجموعه قانون جزا تعیین گشته ولی وابستگی آنها بیکدیگر از حیث اصول و قواعد کلی پابرجا مانده و بهیچوجه، با وجود اختلاف موضوعات، صفت یکدست و یکنواخت بودن قانون از میان نرفته است.

در مورد کلیه مقرراتی که وزارت خانه‌ها یا مقامات صالحه دولتی، برای حسن جریان امور، حمایت انحصارات و کارخانه‌ها و خدمات عمومی و نظارت بر واردات و صادرات و منافع ملی، وضع می‌کنند قانون جزای ۱۹۵۷ تکلیف در روشن ساختن (۲) و در مواد ۳۵۴، ۳۵۵ و ۷۳۳ حدود مجازاتهای را که برای تخلف از این مقررات می‌توان تعیین کرد بیان نموده است.

درست است که عده از کارمندان و کارکنان دولت چه لشکری و چه کشوری با اختلاف مراتب و درجات و نوع خدمت و وضع خاصی که دارند باید از حیث مجازات و کیفیت دادرسی، با یکدیگر، و همچنین همه این گروه عمال حکومت با مردم عادی که کار و سمتی در دستگاههای وابسته به آن ندارند، باید فرق داشته باشند ولی هیچ ضرورتی ندارد که برای هر یک از این دسته‌ها قانون کیفر

1 - Emprisonnement severe ou reclusion

(۲) عنوان هفتم از کتاب .

جداگانه‌ای وضع گردد . این نکته هم از نظر قانونگذار اتیوپی دورنمانده و او از اینکه فرصتی برای تهیه قانون جامع بدست آورده استفاده کرده و وجود دو قانون جزایکی بنام «قانون مجازات عمومی» و دیگر «قانون کیفراتش» را از هر جهت مایه دردسر و منافعی بامنظور اساسی که «تهیه قانون جزای ساده و آسان» بوده است دیده و علاوه بر جرمهای عمومی ، جرمهای نظامی و جرمهایی را که ممکن است مستخدمین دولت باعتبار شغل و مقامشان مرتکب شوند با کیفرهایی که برای هر مورد شایسته می‌داند در همین کد جزا آورده و از این قرار می‌توان گفت که در این باره از کد جزائی ۱۹۵۱ یوگسلاوی تبعیت کرده است (۱) .

۳ - تلفیق بقایای سنتهای دیرین با ترقیات کنونی

شاید نکاتی که مذکور افتاد برای روشن ساختن جنبه‌های نو قانون جزای اتیوپی کافی باشد ولی ناگفته نماند که این قانون از آنجا که در کشور اتیوپی و برای مردم اتیوپی تهیه شده خواه ناخواه بر پایه سنت کهنسال استوار بوده و از این جهت نمی‌توانست یکباره علائق و مناسبات خویش را با آداب و سنن ملی قطع کند زیرا اگر چنین می‌کردیم آن می‌رفت که گرفتاری و حتی فساد و تباهی پیش آید و از هدف عالی اصلاحی خود بکلی دور افتد .

اولین صفت یک قانون درست هر قدر بدیع و مبتکرانه باشد قابل اجراء بودن آن و عدم تصادم آن با عقاید و وجدانیات مردمی است که برای آنان وضع شده است . مخصوصاً باید توجه داشت که مکتب طبیعی حقوق و اصول حقوق را بمثلاً به جان در پیکر انسان و جزه لاینفک آن می‌داند که از ساعت تولد در هر نقطه و در هر تاریخی که ولادت صورت بگیرد با فرد خواهد بود و لازمه زندگی و نمو او میباشد . منتسک بود در نخستین فصل کتاب اول روح القوانین می‌گوید «قوانین باید آنچنان مخصوص ملتی که برای آن وضع شده است باشد که اگر اتفاقاً قانون ملتی متناسب با ملت دیگر در آید این اتفاق از عجایب روزگار تلقی گردد قوانین باید متناسب با وضع ظاهری کشور ، آب و هوا ، خاصیت اراضی ، نوع زندگی مردم بوده و مربوط با . . . مذاهب ساکنین ، تمایلات ، ثروت ، جمعیت ، تجارت ، عادات و آداب آنها باشد » (۲) .

اعضای کمیسیون تهیه قانون اتیوپی هم باین نکته توجه داشته و از درک نیازمندیها و مقتضیات کشور و وقت در آنچه که بنام عدل و وحدت ملی خوانده میشود غافل نبوده اند :

الف - هنگام تهیه قانون جزا در اتیوپی بسیار بجا بود که در عین التزام بر رعایت اصول

(۱) ژان گراون ، مقدمه بر قانون جزای امپراطوری اتیوپی ،

(۲) مقدمه حقوق تطبیقی آقای دکتر حسن افشار

حقوق جزای معاصر جهان و مضامین و مفاهیم جدید و آنچه که امروزه سیاست جزائی نام دارد ، طرز تفکر مردم اتیوپی و آنچه را که آنان از کلمه «تقصیر کیفری» و مجازات عبرت انگیز و دهشتناک در ذهن دارند ، نادیده گرفته نشود . در یک کشور پهناور و باستانی که از پیش مسکن مردمانی جنگجو و پادشاهان بوده ، و از زمانی که رسوم اجتماعی نور پذیرفته است چندان نگذشته ، وجود قانون کیفری که تا حدودی سختگیر و کم گذشت باشد ، و در حال حاضر نظم عمومی را نگاه دارد و حمایت جامعه را یکی از مهم ترین هدفهای مجازات بشناسد ، بر قانونی که پیوسته دنبال آزمایشهای روانشناسی و فکر اصلاح فرد برود رجحان دارد ، بلکه از ضروریات است . قانونگذار اتیوپی نمیتوانست این ملاحظات اساسی را زیر پا گذارد و بلافاصله و بیواسطه و برزخی و بدون آنکه مدتی دست بعصا راه رود اصولی را که حتی سالها از مبانی کدهای کلاسیک بوده یکباره ترک کند ؛ زیرا هنوز هم فکر «نفع عموم» و «دفاع جامعه» و «کفاره گناه» و ارتباط مستقیم و استوار قانون جزا و مجازات ، این مسائل از سویدای دل مردم اتیوپی محو نشده است . ماده اول قانون جزا که میگوید هدف آن قانون تامین نظم ، صلح و آرامش کشور و مردمان آن در جهت نفع عمومی میباشد گواهی این معنی است . ولی مقنن برای آنکه از خشکی و تهدید آمیز بودن این گفتار بکاهد در قسمت دوم همین ماده اضافه میکند که برای پیشگیری از جرمها ، این قانون بمنزله اخطار عمومی است و در صورتی که اخطار کفایت نکند مرتکب باید مجازات شود یا غرامت بدهد یا او را باید در وضعی قرار داد که دیگر نتواند آسیب رساند .

در محیط فعلی اتیوپی حذف مجازات اعدام از قانون جزا اشتباهی نابخشودنی است . در نظر این مردم ، مجازات اعدام نه تنها از ضروریات دفاع اجتماعی است بلکه موافق احساس درونی آنان درباره عدل و کفاره گناه میباشد ؛ بریدن ریشه زندگی ، این موهبت اعلی الهی ، تنها با قربانی ساختن زندگی شخص تبهکار تلافی میشود . کشتن شخص آدمکش گذشته از اینکه کفاره گناه او و مایه تطهیر و طهارت اوست صحیحترین راه تلافی عمل بدی است که او مرتکب شده و قاتل با ارتکاب قتل خود را سزاوار مجازات اعدام قرار داده است ؛ ضمناً باید اشاره شود که طریق اجراء حکم اعدام بدار آویختن محکوم است که در داخل زندان انجام میگیرد و در مورد محکومین نظامی دادگاه می تواند مقرر دارد که حکم بوسیله تیرباران کردن محکوم اجراء گردد (مواد ۱۱۶ تا ۱۱۹) . کیفر شلاق که قانون جزای ۱۹۳۰ حذف آن را در نظر گرفته و در قانون جزای ۱۹۵۷ برقرار گردیده خود مثال بارز سنتها و افکار مربوط به سبک نوین جزائی است . البته می توان این کیفر را اقدامی وحشیانه و منافی با افکار جاری درباره بیسرفت حقوق و احترام بشان و حیثیت انسانی و رفتاری دور از اخلاق دانست و بنا بر این ترک آن بهتر است ؛ ولی در میان ملتیی جسور و متکبر که از درد و رنج بیم ندارد اما از تحقیر و توهین و تخفیف گریزان است ، وجود مجازات شلاق و تعیین

آن در جرم‌هایی که حاکی از پستی و دنائت و نتراشیدگی مرتکب می‌باشد مفید خواهد بود؛ بعد از تریدها و مباحثاتی که در کمیسیون تهیه قوانین در خصوص لزوم کیفر شلاق یا اخلاف آن پیش آمد چون طرفداران حذف آن اکثریت داشتند قرار بر این شد که چگونگی به پارلمان اظهار شود تا هر تصمیمی را که موافق مصلحت دانست اتخاذ کند. پارلمان وجود آن را بصورت مجازات تبعی لازم دانست و ماده‌ای بعنوان ماده ۱۲۰ مکرر به لایحه پیشنهادی دولت اضافه کرد؛ بموجب این ماده حکم مجازات شلاق در موارد خاص اجازه داده شده است؛ و تعداد ضربات نباید از چهل تجاوز کند؛ مجازات شلاق را فقط در باره جنس ذکور از هیجده تا پنجاه ساله می‌توان معین کرد بشرط آنکه پزشک استعداد جسمانی بزهار را تصدیق کند، شلاق باید بر پشت بدن محکوم نواخته شود اجراء محازات تحت نظارت پزشک خواهد بود و در هر موقع که پزشک لازم تشخیص دهد می‌توان اجراء مجازات را به‌عویق انداخت.

و نیز در زمینه مجازات‌های راجع بدارائی بزهار آثار سنت اتیوپی مخصوصاً در مورد مصادره اموال در جنایات بزرگ علیه پادشاه کشور (ماده ۹۷)، جبران خسارات وارده و غرامتی که باید بزیان دیده از جرم پرداخت شود (مادتین ۱۰۱۹۱۰) که لازم بود تا حدودی قواعد دیده، و در باز خرید، مورد نظر قرار گیرد، هنوز هم باقی است. این متون قانونی نشان می‌دهد که عبور از حقوق عادی (مبتمنی بر عرف و عادت) (۱) به حقوق جدید چگونه انجام یافته و در صورتیکه فکر اساسی عدل و انصاف مورد توافق باشد با تغییر زمان چگونه تعبیر جدید می‌پذیرد. حدودی که در قسمت مصادره اموال بمنظور نگاهداری امکانات زندگی بزهار و خانواده او معین شده و نیز تصریح گردیده که مصادره اموال محکوم علیه شامل اموال شخصی همسر و اولاد او ... نخواهد بود (مادتین ۲۷۲ و ۹۷) و در قانون جزای ۱۹۳۰ هم وجود داشت از خصوصیات حس انصاف و ارفاق است که بر سنت دیرین فائق آمده ولی اساس فکر از میان نرفته است.

ب- در اصولی هم که برای قابلیت تقصیر (۲) پذیرفته شده نمونه‌هایی از کد ۱۹۳۰ و یادگارهایی از سنت و عرف و عادت دیرین اتیوپی مشهود است؛ قابل توجه بودن و اشتباه غیر ارادی، موارد استثنائی که جهل بقانون رافع تکلیف است (ماده ۷۸)، فقدان هوش یا فهم، سابقه رفتار و کردار نیک، پشیمانی فوری و مسلم مرتکب (ماده ۷۹)، خیانت بر ائرسوه استفاده از قدرت یا از وضع خاصی که بعضی از این کیفیات موجب تخفیف مجازات و بعضی سبب تشدید آن می‌باشند و بصورت قواعد حقوق جزای معاصر در قانون ۱۹۵۷ می‌توانه ملاحظه کرد، مسئولیت کیفری دسته‌جمعی در مورد بعضی جنایات یاد در مورد لوٹ هم تا حدودی سنت باستانی اتیوپی را در پیشنهاد قانونی رعایت کرده بودند ولی این قسمت چون مخالف اصل مسئولیت شخصی بود که قانون اساسی آنرا تصریح نموده بکلی رد شد.

1- Droit coutumier

2- Culpabilité

ج - در برخی از مسائل دیگر، تندرستی و وارد کردن ابداعات متهوران در کشور چون اتیوپی معقول نبود زیرا این کشور زمان کوتاهی است که درهای اجتماع خود را برای قبول پدیده‌های علوم جرم‌شناسی و روانشناسی باز کرده و هنوز حدود و میزان آمادگی آن مشخص نیست.

مقررات ماده ۴۹ در خصوص مسئولیت محدود اشخاص کبیری که قوه تشخیص کامل ندارند و اجازه‌ای که به‌دادرس برای تخفیف مجازات این گروه داده شده و همچنین مقرراتی که در مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ راجع با اقدامات تامینی در موارد خاص و نسبت این اقدامات با مجازات موارد مسئولیت محدود وضع گردیده و نمونه‌هایی از سازش یادگارهای سنت باستانی با اصول جزائی کنونی بشمار می‌آیند. مسئولیت کیفری اشخاص در سالهای بین ۱۵ و ۱۸ را می‌توان نمونه دیگر از این نوع سازش بشمار آورد.

د - میراث حقوق باستانی و احترام بسننها و مقتضیات اتیوپی طبعاً در قسمتهای متعدد جزای اختصاصی هم اثر بخشیده است :

ماده ۲۴۸ قانون که اولین ماده از قسمت جزای اختصاصی است و بمنظور حفظ شخص پادشاه و سلامت او و خاندان او و سلسله پادشاهان آل سلیمان، که با تاریخ کشور اتحاد فراموش نشدنی دارند، وضع شده نشانه‌ای از آداب و رسوم مردم این سرزمین است. در تأیید این مراتب می‌توان بمقررات راجع به منع برده‌فروش و برده‌قرار دادن اشخاص، حفظ آثار و سرمایه‌های تاریخی، منع جادوگری و رمالی، مجازات سوءاستفاده از زودباوری و سادگی اشخاص بوسیله تظاهر به غیب دانی و غیبگوئی و بزه‌های دیگری که بتفصیل در متن قانون آمده است، اشاره کرد.

۴ - اختصاصات و روح تازه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درستور گذشته بباره‌ای از جنبه‌های قانون جزای اتیوپی اشاره شد اکنون جای آنست که در این بباره اندکی بررسی شود.

قانونگذار اتیوپی ابقاء مجازات اعدام و مجازاتهای عبرت انگیز را مانع اتخاذ تدابیر و قبول اقداماتیکه، برای پیشگیری بزه‌ها و اصلاح بزهکاران روبراه موثر و یا برای حمایت جامعه سودمند میباشد، ندانسته و شاید بتوان گفت که در هیچیک از گدهای معاصر با اندازه قانون جزای اتیوپی از این اقدامات، حسن استقبال نشده است. پذیرفتن این اقدامات در قانون اتیوپی بصورت کلی یا مبهم و مشکوک نیست؛ موادی که در این زمینه در قانون آورده

شده جزئیات منظور واضعین آنرا روشن می‌کند و نشان می‌دهد که برآستی بیش از خود مجازات مورد علاقه و توجه بوده است :

الف . برعکس بسیاری از کدهای جزائی که مقصد و مرام و روح کلی مجازات و اقدامات تامینی را بیان نمی‌کنند ، قانون جزای اتیوپی از آنجا که اینگونه کیفر و اقدامات ، گذشته از مردم عادی اتیوپی ، برای دادرسان هم تازگی داشته و مخالف عرف و عادات دیرین کشور بوده در ماده ۸۵ تصریح کرده که کیفرها و اقدامات پیش‌بینی شده در این قانون باید به کیفیتی اعمال گردد که منظور و هدف قانون تامین شود. در این ماده و ماده ۸۶ بقاضی دستور داده شده که در تعیین مجازات شئون مرتکب بزه و میزان قابلیت تقصیر فردی او و همچنین حالت خطرناک ، سوابق زندگی و وضع شخصی و درجه تربیت وی و جهات دیگر را مورد توجه قرار دهد .

در مواد ۱۲۰ و ۱۳۷ اصول و مقررات کلی تعیین جزاهای تبعی و کیفیت اعمال اقدامات احتیاطی (۱) بیان شده است . البته رعایت این اصول جدید حقوق جزا و پی بردن بدقائق این سیاست جزائی مهارت و ورزیدگی دستگاه قضاء را لازم دارد .

ب - در مقرراتی که برای تعیین مجازاتهای مختلف و همچنین «اقدامات» وضع شده بطور کلی جنبه‌های ابتکاری آشکار است .

گرامتی که دادگاه تعیین می‌کند باید متناسب با درآمد و وضع محکوم علیه و هزینه‌ها و نیازمندیهای خانوادگی او و طبعاً متناسب با شدت تقصیر باشد (ماده ۸۸) . در موردیکه محکوم علیه نتواند فوراً و یکمرتبه غرامت مقرر را بپردازد دادگاه می‌تواند مهلت بدهد و غرامت را تقسیت کند (مواد ۹۰ تا ۹۶) ؛ دستورهای قانون در این قسمت علاقه قانونگذار را به عدل و انصاف و توجه بشرايط اقتصادی کشور مدلل می‌دارد ؛ و داشتن محکومین بمجازاتهای «سالب آزادی» بکارهای ملایم و سبک و نگاهداری مبلغی از دستمزدهای آنان در صندوق مخصوص برای پرداخت باین محکومین در پایان مدت محکومیت و هنگام آزادی ، تعلیق مجازات و کیفیت مراقبت اخلاق و رفتار کسی که مجازاتش تعلیق شده (مواد ۲۰۱ تا ۲۰۳) و اینکه بموجب ماده ۱۹۴ به قاضی اجازه داده شده که در صورت احراز بی‌اساسی بودن موجبات اعتماد بحسن رفتار محکوم علیه دستور تعلیق را لغو کند شواهد دیگر از جنبه‌های نو قانون جزای اتیوپی است ؛ همچنین است مقررات و ترتیبات مربوط باعاده حیثیت که بتفصیل در مواد ۲۴۲ تا ۲۴۷ مذکور است .

در پایان این بحث بهتر است بمقررات راجح بصغار اشاره شود :

بموجب ماده ۵۲ اطفالی که سه نه سال تمام نرسیده اند مسئولیت کیفری ندارند ؛ در صورتیکه چنین اطفالی مرتکب جرم شوند تادیب آنان برعهده اولیاء خانواده و مدارس یا سرپرستان آنان خواهد بود .

اطفال بسن نه تا پانزده ، در صورت ارتکاب جرم با سازمانهای تربیتی و تادیبی مخصوص اعزام می شوند و هرگز مجازاتهایی که درباره اشخاص کبیر مقرر شده برای اطفال نه تا پانزده سال تعیین نمی شود .

دادرس در صورت اقتضاء و بارعایت کلیه شرایط مصرح در قانون می تواند اینگونه اطفال را بسرزتش و ملامت محکوم سازد . مدت توقف این اطفال در سازمانهای تربیتی و تادیبی تازمانی است که اولیاء سازمانهای مذکور لازم بدانند و ممکن است تازمان بلوغ تمدید شود . کلیه این اعمال بعنوان تادیب و تربیت است و بهیچوجه محکومیت کیفری بشمار نمی آید و اثر کیفری ندارد (مواد ۵۳ تا ۵۵ و ۱۶۱ و ۱۸۰) . با اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عادی قانون جزا رفتار می شود ولی دادرس دادگاه با ملاحظه جوانی متهم و احساسات و روحیات او بر طبق قواعد عمومی میتواند مجازات را تخفیف دهد یا اقداماتی را که مخصوص اطفال بین نه تا پانزده سال است درباره او معمول دارد (مواد ۵۳ و ۱۷۰ تا ۱۷۳)

ج - دامنه جزاهای تبعی و اقدامات احتیاطی و اقدامات تأمینی که با مجازات اصلی توأم میشود ، در قانون جزای اتیوپی بسیار وسیع است و شامل امور ذیل می گردد :

۱ - کیفرهای تبعی از قبیل توبیخ و سرزنش و حتی اعتراف بخطا و عذرخواهی در ملاعام که سابقاً هم معمول بوده و فواید اخلاقی و اجتماعی دارد و قانون جدید آنها را با شکالی که متناسب با زمان باشد پذیرفته است (ماده ۱۲۱) ؛ و همچنین محرومیت محکوم علیه از برخی حقوق اجتماعی و حرفه ای یا خانوادگی در موارد معین (ماده ۱۲۲) .

۲ - اقدامات احتیاطی از قبیل اخذ تعهد یا تضمین نسبت باخلاق و رفتار نیک ، ضبط و مصادره اشیاء و آلات خطرناک حتی قبل از ارتکاب یا در صورت اقتضاء (مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۴) .

۳ - اقدامات محدود کننده یا تعلیق کننده شغلی که مرتکب بزه بر حسب اجازه رسمی شاغل آن بوده و از آن اجازه برای ارتکاب بزه سوء استفاده کرده است . از قبیل لغو پروانه کسب یا ورقه امتیاز یا اجازه و همچنین ممنوعیت از کسب و حرفه و تعطیل بنگاهها یا کارگاهها (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷) .

۵ - اقدامات اعلامی یا اخباری از قبیل ابلاغ حکم محکومیت یا اعلام مفاد آن بمقامات کشوری ، اداری یا ارتشی که ذی علاقه هستند ، همچنین چاپ و نشر حکم ، در صورتیکه برای افراد یا جامعه نفع مشروعی داشته باشد ، ثبت در دفاتر سجل قضائی و سجل کیفری و دفاتر دیگری که طرف مراجعه مقامات صالحه خواهد بود (ماده ۱۶۰)

برای تکمیل فصل مربوط به بررسی کوتاه جنبه‌های نو و ابتکاری قانون جزای اتیوپی
نگاهی به قسمت اختصاصی آن هم لازم است :

پس از آنکه قانونگذار مقرراتی بمنظور دفاع ملی با توجه به سوابق تاریخی و افتخارات
نظامی کشور وضع کرده (۱) برای اینکه موثر بودن این مقررات را تامین کند جریمه‌های برضد
حقوق عام ملل و حقوق بین‌المللی عمومی یعنی اعمال مخالف قرارداد های بین‌المللی لاهه و ژنو
و قرارداد صلیب سرخ ۱۹۴۹ را در قانون جزا آورده است (مواد ۲۸۱ تا ۲۹۵) (۲). ناگفته
نماند که در قانون جزای نظامی سوئیس اصلاح شده بموجب قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۵۰ و در قانون
جزای نظامی یوگسلاوی اصلاح شده در ۲۷ فوریه ۱۹۵۱ این جریمه‌ها ذکر شده ولی از آنجا که
کد جزایی اتیوپی این جریمه‌ها را در متن قانون جزا آورده و آنها را بر طبق قواعد عمومی مجازات
می‌کند، از این جهت قانونی نمونه بشمار می‌آید. در قسمت اختصاصی جریمه‌های دیگری هم دیده
می‌شود که در کدهای دیگر جهان وجود ندارد یا باین روشنی و صراحت بیان نشده است از قبیل
بزه‌های علیه مراجع و مقامات قضائی (مواد ۴۳۸ تا ۴۵۹)، بزه‌های علیه امنیت خارجی کشور
(مواد ۴۶۰ تا ۴۷۰)؛ همچنین است بزه‌های نظامی از قبیل افشاء اسرار نظامی و اسرار اداری و علمی
و صنعتی، جریمه‌های علیه امنیت عمومی، ارتباطات و مخبرات (مواد ۴۸۸ تا ۵۰۲)، ایجاد خطر
برای مراکز و وسائل حمل و نقل زمینی و هوایی و دریائی (مادتین ۴۹۹ و ۵۰۰)، ممانعت از آزادی
رفت و آمد (مادتین ۵۶۹ و ۵۷۰)، مجازات اشخاصی که عمداً بماشینها و موسسات و مزارع و
باغات عمومی خسارت وارد می‌آورند، اعمالی که مخالف بهداشت عمومی و منافی بانظم خانواده‌ها
و موجب سوء اخلاق جوانان و مایه فساد نیروهای فعال کشور و باعث سست شدن پایه‌های اقتصادی
آنست از قبیل اشتغال بامور پزشکی و دارویی بدون داشتن صلاحیت و پروانه و خودداری پزشک از
درمان و دارو فروش از فروش دارو بدون عذر موجه (مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰)، وارد کردن و صادر
کردن و فروش و نشر و اشاعه نقاشیها و تابلوها و تصاویر و فیلمها و آگهیهای مخالف عفت عمومی و
اخلاق حسنه (۶۰۹ تا ۶۱۳) صادر کردن چك بی‌محل (۶۵۷) و جریمه‌های دیگری که بنفصیل
در قانون آمده است.

نتیجه

زبده و چکیده و تجزیه و تحلیل فشرده از حقوق جزای قدیم اتیوپی و قانون جزای
جدید آن که در این دو مقاله آمده است که قانونگذار سال ۱۹۵۷ مناظری از آداب و سنن

(۱) - مادتین ۲۶۰ و ۲۶۱.

(۲) - از قبیل جنایات جنگی، کشتار دسته جمعی، سوء رفتار با اسیران جنگی.

دیرین را بادورنماهایی از تکامل زندگی بهم آمیخته و نام مجموعه قانون کیفر بآن داده و در واقع شایسته چنان دیده است که کاخ معنوی تاریخی دادگری و دادرسی خود را که دیگر نمی توانست با رسوم و آئین کهن برپا بماند با هستگی درهم شکند و سختترین و استوارترین - قطعاتی را که از آن برجای مانده با فرآورده های جهان امروزی ترکیب دهد و بنایی نو بسازد .

ناگفته نماند که برای بهره برداری درست و خردمندانه از این ساختمان نوآشنائی بهمه اشکوبها و بخشهای آن لازم است که این کار هم جز با گذشت زمان میسر نیست .

امروزه کشور کهنسال اتیوپی قانونی نوساخته و سازمان دادگستری جوان نوخاسته ای دارد، مردمی در آن زندگی می کنند که نیاکانشان از دوران خلافت و ممدلت داودی برخوردار بوده و عهد شوکت و حشمت سلیمانی دیده اند و شایسته این مردم است که با دادرسان و مجریان قانون همراه و همگام باشند تا گسترش داد و جلوگیری از بیدادگری حاصل آید و ایمنی و آسایش بیش از پیش فراهم گردد .

پایان

دو توضیح لازم :

۱ - جمله «قانون شاهان» یا «قانون نجاشیان» که در چند جای این مقاله آورده شده ترجمه «فتا نقاست» یا «فتا نقست» (Fetha Negast ou Neguest) است که دائرة المعارف فرید و جدی «فتا نقوس» ضبط کرده است . بمقتیده این دائرة المعارف «فتا نقوس قانون حبشی معمول به است» که در قرن ۱۳ میلادی بوسیله یکی از بزرگان مسیحی قبطی مصر موسوم به اسعد بن عسال تدوین شده و بر دو بخش است بخش اول مخصوص کلیسا و دین و عادت است و از مذهب قبطی و دیانت اسرائیلی اقتباس شده و بخش دوم احکام معاملات است که از مذهب شافعی و کتاب تنبیه ابی اسحق شیرازی اخذ گردیده و از این جهت فتا نقوس نامیده می شود که فتا مخفف فتاوی عربی است که جمع فتوی است و نقوس بمعنی نجاشی است یعنی پادشاه و معنی جمله چنین می شود «فتاوی نجاشی» و چون در فقه اسلامی «فتوی» به رائی گفته می شود که مجتهد در واقعه ای می دهد و بنا بر این بکار بردن اصطلاح فتوی ، در مورد قانونی که از طرف پادشاه مقرر گردد و در زبان حقوقی عربی و فارسی درست بنظر نمی آید جمله فتا نقوس یا فتا نقاست یا فتا نقست «قانون شاهان» ترجمه شد، مولفین فرانسوی هم به *la loi des Rois* یا *Les lois des Rois* ترجمه کرده اند.

۲ - برای تهیه این مقاله چند کتاب حقوقی مخصوصاً کتب ذیل مورد استفاده قرار گرفته

است : مقدمه حقوق تطبیقی تألیف آقای دکتر حسن افشار
تئوری کلسی و فلسفه حقوق تألیف کلود دوپاکیه ترجمه آقای دکتر علی محمد طباطبائی
دائرة المعارف محمد فرید و جدی
لاروس انسیکلوپدیک
متن کد جزائی ۲۳ ژویه ۱۹۵۷ امپراطوری آئیوپی
مقدمه تحقیقی که آقای ژان گراون بر کد جزائی مذکور نوشته است و قسمت عمده مقاله
استفاده و اقتباس و گاهی ترجمه نقل بمعنی از تبیعات آقای ژان گراون است.

سواد مطابق اصل

سواد برابر اصل (۱) یعنی نسخه ای که از روی اصل سند (۲) نوشته شده و با آن مطابقت دارد :
در شعر صائب تبریزی باظرافت و شیرینکاری خاص این اصطلاح آمده است :
پهلوی به حیات ابدی میزند این زلف
اینست سوادی که به اصل است مطابق

Copie conforme (۱)

l'origine (۲)